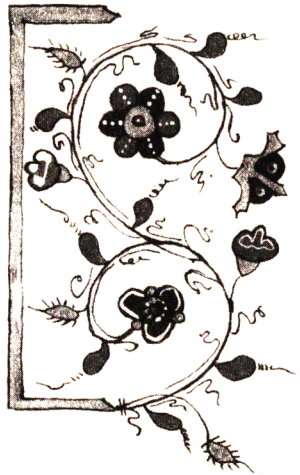


لوح یکم

# بادام‌بین

تفسیر: نام‌ها، فعل‌های جهانند



هر آن کس که فرزندی را آوا دهد،  
کودکی انسان را ندا داده باشد.  
هر آن کس که فرزندی را نام نهد،  
همه کس را نام نهاده باشد.

از میان نامهای جهان،  
آن مرد، پسر خردینه‌اش را یوسف نام نهاد.  
و یوسف را معنا این باشد که: خواهد افزود.  
خواهد افزود، چنان که لانه زنبوران وحشی، از عسل آکنده  
شود.  
و منقار عقاب بچه، برای روز آفتاب و شکار، قوت گیرد.  
خواهد افزود، چنان که نهال نازک تاک، در خود بیفزاید  
و هر شاخه کوچکش، به سوی سرنوشت، پیچ و تاب  
خورد؛  
چنان که عشق به سوی سرنوشت خود خزیدن گیرد.  
خواهد افزود،

چنان که درد بلوغ بادام بن  
در صبحگاهی مه‌آلود، به شکوفه نشیند  
و سرش چون رویایی سپید، آکنده از صد هزار شکوفه  
شود.  
چنین است که بادام بن، نام خویش را از زمین شنود.

خواهد افزود.  
آن پلار، فرزند خویش را چنین نام نهاد.  
جز این نیست که نامها، آرزوهای جهانند.  
و نامها، کردها و ناکردههای جهانند.  
آن پلار، فرزند خویش را چنین ندا کند  
و جز این نیست که همه فرزندان جهان را ندا کرده باشد.